



1 بعد از روز سبت، در سپیده دم صبح روز یکشنبه، مریم مجدلیه و آن مریم دیگر به دیدن قبر رفتند. 2 ناگاه زمین لرزه شدیدی رخ داد، زیرا فرشته خداوند از آسمان نازل شده به سوی سنگ آمد و آن را به کناری غلطانیده بر روی آن نشست. 3 صورت او مثل برق می درخشید و لباسهایش مانند برف سفید بود. 4 از دیدن این منظره نگهبانان از ترس لرزیدند و مانند مرده به زمین افتادند. 5 آنگاه فرشته به زنها گفت: «نترسید! می دانم که به دنبال عیسی مصلوب می گردید. 6 او اینجا نیست. چنانکه خود او قبلاً گفته بود، پس از مرگ زنده گشت. بیایید و جایی را که او خوابیده بود، ببینید 7 و زود بروید و به شاگردان او بگویید که او پس از مرگ زنده شده است و قبل از شما به جلیل خواهد رفت و شما او را آنجا خواهید دید. آنچه را به شما گفتم به خاطر داشته باشید.» 8 آنها با عجله و ترس و در عین حال شاد و خوشحال از قبر خارج شدند و دوان دوان رفتند تا این خبر را به شاگردان برسانند. 9 در ضمن راه، ناگهان عیسی با آنان روبه رو شده گفت: «سلام بر شما!» زنها جلو آمدند و بر قدمهای او به خاک افتاده، در مقابل او سجد کردند. 10 آنگاه عیسی به آنان فرمود: «نترسید، بروید و به برادران من بگویید که به جلیل بروند و در آنجا مرا خواهند دید.»

روز رستاخیز عیسی از یک دریچه کوچک تاریکی شروع می شود که ما بایستی برای آن احترام خاصی داشته باشیم. در آن جای تاریک، مرگ قرار دارد و ما آن را نمی توانیم تغییر بدهیم. و از زندگی مان جدا سازیم. و ما به آن متعلق می باشیم. چیزی که به زندگی ما تعلق ندارد رستاخیز شدن است. آن زن هایی که برای مالیدن روغن به بدن عیسی به آنجا رفته بودند، دقیقاً افرادی شبیه به ما هستند. آنها می توانستند فقط مرگ و قبر را با فهم خودشان درک کنند. در آنجا در ابتدا نمی توان نشانه ای از رستاخیز شدن دید. امروز ما می خواهیم که با این خانم ها بر سر قبر برویم. ولی قبل از هر چیزی ما باید این سوال را از خودمان بکنیم که چه چیزی باعث می شود که ما به همراه این خانم ها از سمت یک دریچه تاریک به سوی رستاخیز شدن حرکت می کنیم. آیا ما هم می توانیم با این خانم ها به آن سو حرکت بکنیم؟ ما باید به راستی این را بگوییم که ما نمی توانیم به آن راه برویم. و آن برای ما دست نیافتنی شده است. ما دقیقاً همانند آن زن ها می باشیم. در جهان امروزی ما اتفاقات خیلی بد و غمناکی رخ می دهد. مرگ های زیادی باعث شده است که جهان ما به یک قبرستان بزرگ تبدیل شود. و ما نمی دانیم که چگونه باید با این امر رستاخیز شدن در این دنیا شروع به زندگی کردن کنیم. بی اعتمادی و کم باوری ما نسبت به روز رستاخیز عیسی سبب شده است که این روز توسط تزئینات این روز مثل تخم مرغ رنگ شده و خرگوش های تزئینی این روز، نادیده گرفته شود. ولی مرگ در جای خودش باقی می ماند. ما باید به مقبره و رستاخیز شدن عیسی با احترام نزدیک بشویم. زیرا چیزی که در آنجا رخ می دهد غیر قابل تصور ما می باشد. هم برای ما و هم برای آن دو زن. و برای همین یک فرشته باید به همراه ما بیاید و او نیز

بر روی سنگی می نشیند و با ما سخن می گوید. ولی بر روی این سنگ مهری از دولت روم قرار داشت که ورود به آنجا را ممنوع می کرد. ولی در آن لحظه آن فرشته با این کار خودش به همه اعلام می دارد که این خدا است که بر مرگ و زندگی دخالت دارد و بالاتر از همه قرار دارد و نه دولت روم. و برای همین خدا این فرشته را برای ما روانه می کند زیرا او می داند که چقدر برای ما باور کردن رستاخیز شدن عیسی سخت می باشد. فرشته در آنجا می پرسد: آیا شما دنبال عیسی می گردید؟ ولی شما در جای اشتباهی به دنبال او می گردید. او دیگر آنجا نیست. این یک جواب بسیار روشنی بود. عیسی دیگر در آنجایی که آن زن ها در روز عید پاک انتظارش را می کشیدند وجود نداشت. او همچنین در جایی قرار ندارد که ما انتظارش را می کشیم و برای همین آن فرشته به آنها این امیدواری را می دهد که آنها او را آنجا جستجو نکنند. و به آنها می گوید نگاه کنید که عیسی کجا قرار داشت ولی حالا او دیگر در آنجا حضور ندارد. آن دریاچه سیاه وجود داشت ولی آن عیسی از آنجا رفته بود. آدم می تواند این را تصور کند که این دو زن می توانستند به حرف های آن فرشته گوش ندهند. و یا شاید آن دو زن می توانستند بر سر قبر عیسی بروند و گریه و آه و ناله کنند. و شاید هم آنها می توانستند قبر عیسی را گلکاری نمایند و آن را به شکل یک مقبره متبرک درآورند. و شاید هم تا به امروز میلیون ها انسان های مشتاق بر سر قبر او می رفتند و او را احترام می کردند. ولی همه این ها اتفاق نمی افتد و ما عیسی را به عنوان یک ناجی مرده ستایش نمی کنیم بلکه او یک ناجی همیشه زنده می باشد و از آن روز عید پاک به همه ثابت کرد که او یک ناجی زنده ای است که همه را نجات خواهد داد. این ایمان به رستاخیز شدن عیسی محور اصلی تمام کلیساها می باشد. هر عمل و تفکری که ما در این کلیساها انجام می دهیم دارای این محور و مرکز می باشد: عیسی رستاخیز کرده و مرگ و گناه و شیطان را شکست داده است. بدون ایمان داشتن به رستاخیز عیسی، ایمان و امید ما در کلیسا بی معنی می شود. اشتباه ما این است که ما دوست نداریم هیچ وقت به آن فرشته گوش دهیم. و بجای آن دوست داریم که قبر خالی عیسی را همیشه ستایش کنیم. و تا امروز هم همین بوده است. زیرا قبر خالی عیسی هیچ تناسبی با زندگی این جهان ندارد. آیا این امکان دارد که ما همیشه سعی می کنیم که عیسی زنده را به قبر بسپاریم؟ ما خیلی دوست داریم که عیسی را با آن چیزی که در درک و فهم ما قرار دارد مقایسه و بگنجانیم تا راحتتر با او ارتباط برقرار کنیم و بدین ترتیب او در نزد ما یک عیسی مرده تلقی می شود. صدای بلند پلیدی، مرگ و جنگ و واقعیت رستاخیز شدن عیسی را کم رنگ می نماید. چیزی که در این دنیا به نظر می رسد این است که ما اجازه می دهیم، ما به همین صورت به زندگی خودمان در اینجا به همین صورت و بدون امیدواری پایان دهیم. این ها همه در جهان رخ می دهند حتی در زندگی شخصی ما. ما در یک دریاچه تاریک تمام گناهان و مرگ خودمان و دیگران را می بینیم و آنها را یک بار سنگین بر روی خودمان حس می کنیم. و ما به این فکر می کنیم که دیگران دیگر نمی توانند خودشان را تغییر بدهند. ما فقط به مرگ اعتقاد داریم و نه به رستاخیز شدن عیسی. ولی عمل رستاخیز شدن عیسی در یک جایگاه خاصی قرار دارد و به ما نیروی متفاوتی می دهد. که ما تا به حال از آن برخوردار نبودیم و ما می توانیم با آن رو به جلو حرکت نماییم. و این همان نیروی خداوند است که به ما سخاوتمندی و زندگی هدیه می دهد.

آن فرشته در آنجا قصد دارد که این راه را به ما و آن دو زن نشان دهد. و آن دریاچه تاریک را ما باید رها کنیم. و ما راه دیگری را باید انتخاب کنیم زیرا آن مسیر قبر به مرگ ختم می شود. و عیسی در کنار مرگ قرار ندارد. و او زنده است و جلوتر از همه به راه افتاده است و این را ما باید به همه اعلام داریم. و این چنین فرشته با آن دو زن صحبت نمود و آنها نیز آن قبر را رها کردند و رفتند. شاید برای آن زن ها خیلی سخت بود که جایی که آنها عیسی را قبر کرده بودند را ترک کنند. آنها نمی دانستند که چه اتفاقی افتاده است و یا نمی دانستند که بعدها میلیون ها انسان به عیسی پرستش خواهند کرد. آنها نمی دانستند که چه مراسم های بزرگ عبادتی و جشن های روز عید پاک برگزار خواهد شد. همچنین در همین مراسم امروز نیز عیسی با ما همراه است. و آن خانم ها می توانستند عیسی را ببینند و او به آنها سلام و خوش آمدگویی کند. چیزی که عیسی به آنها می گوید دقیقاً همان حرف های آن فرشته می باشد. و با این عمل، این سلام عیسی با حضور خود او تکامل می یابد. و بدین ترتیب نیازها و فاکتورهای مورد نیاز یک مراسم عبادت تکمیل می شود و آن هم وجود خود عیسی است. این امر را آن دو زن متوجه می شوند و برای همین به سوی او می روند و به او پرستش می کنند. ما هم دقیقاً همین کار را در هر مراسم عبادت انجام می دهیم. هر مراسم عبادت، جشن بزرگی با عیسی برای ما می باشد. ولی ما نمی خواهیم که آن را متوجه بشویم ما در هر بار در کنار عیسی در مراسم عبادت قرار می گیریم ولی نمی خواهیم که آن را باور کنیم. ما دقیقاً همانند آن سربازانی هستیم که در پای صلیب عیسی قرار داشتند و از لباس او شفا می خواستند. و یا حتی ما بعضی وقت ها هم بر سر بود و نبودن او در میان ما بحث می کنیم. و برای همین امر ما انسان ها نیاز به آن فرشته داریم تا ما را به سمت عیسی هدایت نماید. همین طور برای شاگردان عیسی هم باید همین گونه می شد. آنها همه چیز را می دانستند. آنها از نوشته ها و مرگ و رستاخیز عیسی اطلاع داشتند. ولی باز هم آنها غمگین بودند زیرا عیسی در آنجا نبود. زیرا عیسی با آنها ملاقات نکرده بود. ولی بالاخره عیسی به آنها ظاهر می شود. همینطور او با آن دو زن هم دیدار می کند. و بدین گونه قلب آنها می لرزد و در آنجا معنی رستاخیز شدن عیسی را می فهمند. عیسی با رستاخیز کردن خودش فقط برای خودش زنده نشد بلکه آن عمل برای ما هم بوده است. پولس در رومیان 1:5 می نویسد: 1 بنابراین چون از راه ایمان در حضور خدا نیک شمرده شده ایم، از صلح با خدا که به وسیله خداوند ما عیسی مسیح برقرار گردید، بهره مند هستیم. و بعد ها هم مارتین لوتر برداشتی تازه از رستاخیز شدن عیسی برای خودش و ما انجام می دهد. و همیشه ما باید این را در نظر بگیریم که زمانی که ما قصد داریم خدا را با سنت های مان به قبر بسپاریم، او می آید و باز ما را به سمت خودش هدایت می کند. زیرا عیسی زنده باید برای ما آشکار شود.

بدون دیدار با عیسی همه چیز برای ما غیر قابل فهم و دست نیافتنی می شود. و این داستان عیسی نیز تا به امروز همچنان به همین شکل ادامه دارد. افراد زیادی که امروز با ما جشن می گیرند به عیسی پرستش می کنند و آنها همیشه گواه آن را می دهند

که عیسی در آنجا حضور دارد. آنها همیشه این کار را می کنند زیرا آنها فهمیده اند که فقط یک چیز در مقابل مرگ ، گناه و شیطان وجود دارد. و آن هم عیسی رستاخیز شده است.

آمین